



شماره بیست و نه

در روزگاران کهن دانه ای بود که بسیار تلاش می کرد تا به گیاهی سرسبز تبدیل شود و می دانست باید از باید از خاک با ارزشی کمک بگیرد.

روزی از خاک رس پرسید: «آیا می توانی برای رشد و تغذیه به من کمک کنی؟»

خاک رس پاسخ داد: «دوست عزیز، من دارای بافتی نرم با دانه های ریزی هستم، بین ذرات من، فضای خالی بسیار کمی وجود دارد که در تماس با آب سریعاً به هم می چسبند و سرعت نفوذ آب در من بسیار کم است، بهتر است از ماسه کمک بگیری!»

دانه از خاک شنی و ماسه ای پرسید: «آیا شما می توانید مواد آلی و مغذی را به من برسانید؟» ماسه پاسخ داد: «نه دوست من، ذرات ما بسیار درشت هستند و نفوذ پذیری بسیار زیادی داریم و در برخورد با آب، برای نگهداری مواد معدنی و آلی بسیار ناتوان هستیم. بهتر است از گیاهک کمک بگیری، گیاهک دارای مواد معدنی خاک است و به رنگ تیره دیده می شود و اجزای تجزیه شده گیاهان و جانوران است.»

گیاهک که صحبت های آنها را شنیده بود، گفت: «ماسه درست می گوید، من منبع اصلی نیتروژن لازم برای رشد گیاهان هستم و به خاک باغچه خاصیت اسفنجی می دهم و در مخلوط با خاک رس و ماسه، نفوذ پذیری مناسبی را برای خاک باغچه مهیا می کنم، بنابراین به کمک ماسه و رس هم نیاز دارم تا بتوانم به شما کمک کنم.»